

اعلاميهء اسلامي حقوق بشر
مصوب 12 محرم 1411 قمری
(مطابق با 5 اگست 1990 میلادی و 15 اسد 1369 هجری
شمسی)
اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامي
در قاهره

اعلاميهء اسلامي حقوق بشر
مصوب 12 محرم 1411 قمری
(مطابق با 5 اگست 1990 میلادی و 15 اسد 1369 هجری شمسی)
اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامي در قاهره

(یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروانثی وجعلناکم شعوباً و
قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم) «قرآن کریم»

دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله، پروردگار جهانیان و آفریدگار کاینات و بخشنده نعمتها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گردانیده، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را برعهده بشر گذارده و امانت (تکالیف الهی) را برگردن او نهاده و آنچه در آسمانها و زمین است همه گوی را تحت تصرف وی قرار داده و با تصدیق رسالت محمد (ص) که خداوند ایشان را برای هدایت با آیین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان و نجاتبخش برده گان و شکننده طاغوت ها و مستکبران گردانیده است، پیامبری که برابری را میان همه بشریت اعلام نموده و هیچ اولویتی برای کسی بر دیگری جز در تقوی قایل نشده و فاصله ها و اکراه را از میان مردم برچیده، مردمی که خداوند آنها را از روح واحد آفریده است. با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب که ساختار اسلام بر پایه آن استوار شده است، عقیده یی که بشریت را فرا خواند تا جز خدا کسی را پرستش نکرده و شریکی برای او قایل نشوند و احدی را بعنوان خدا به جای الله نگیرند، عقیده یی که پایه راستین آزادی مسوؤلانه بشریت و حیثیت آنها را پی ریزی کرده و رهایی انسان از برده گوی را اعلان نموده است.

برای تحقق آن چیزهایی که در شریعت جاودان اسلامی آمده است از آن جمله پاسداری از دین، جان، خرد، ناموس، مال، نسل و دیگر امتیارات چون جامعیت و میانه روی در کلیه مواضع و احکام. این شریعت معنویات و ماده را با هم در آمیخت و عقل و قلب را هما هنگ ساخت و میان حقوق و وظایف موازنه به وجود آورد و بین حرمت فرد و مصلحت عمومی تلفیقاتی به وجود آورد و معیارهای قسط را میان طرفهای ذریبط برقرار کرد، تا این که نه طغیانی باشد و نه زیانی.

ضمن تأکید بر نقش تاریخی امت اسلامی در پیشرفت تمدن «آن امتی که خداوند آنها را بهترین امت برگزید» تا يك تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نما ید. تمدنی

که میتواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را بهم بپیوندد. لذا از چنین امتی امروزه انتظار میرود که به هدایت بشریت گمراه در امواج رقابت مسلکهای متضاد قدم نهاده و راه حلهایی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارایه دهد. به جهت ایفای سهم خود در تلاشهای بشری که مربوط به حقوق بشر است، حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه پی که با شریعت اسلامی هماهنگ است، با اعتقاد به اینکه بشریتی که به بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل حمایت کننده از حقوق خویش میباشد، همنا شود.

با ایمان به اینکه حقوق اساسی و آزادی های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین است، پس هیچ احادی بطور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیرپا نهادن یا چشم پوشی کردن از احکام الهی و تکلیفی که خداوند از راه کتابهای خود نازل نموده و خاتم پیغمبرانش را فرستاده و بوسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی به عمل آورده است را ندارد. بنابراین مراعات آنها عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها منکر است و هر انسان بطور منفرد، مسوؤل پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن مسوولیت دارد. بدین جهت، دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس مواد زیر را اعلام می نمایند :

ماده يك:

الف: بشر بطورکلی يك خانواده می باشد که بنده گی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آنها را به هم گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسوولیت بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابسته گی سیاسی یا وضع اجتماعی و..... برابر اند.

ضمناً عقیده صحیح تنها تضمینی برای رشد این شرافت از راه تکامل انسانی میباشد.

ب: همه مخلوقات به منزله عایله خداوند هستند و محبوب ترین آنها نزد خداوند سود مندترین آنان به همنوع خود است و هیچ احدي بر دیگری برتری ندارد، مگر در تقوي و کارنیکو.

ماده دوم:

الف: زنده گی موهبتي است الهي و حقي است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت ها واجب است که از این حقوق حمایت نموده و در مقابل هرتجاوز علیه آن ایستاده گی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعي

ب: استفاده از وسیله يي که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت بطور کلي یا جزئي گردد، ممنوع است.

ج: پاسداري از ادامه زنده گی بشریت تاهر جايي که خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی میباشد.

د: حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بي احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن، مگر با مجوز شرعي و بردولت است حمایت از این امر.

ماده سوم:

الف: در صورت به کارگیری زور یا کشمکشهای مسلحانه نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته اند، همچون پیر مردان، زنان و کودکان را کشت وهرمجروح و بیماری حق مداوا و اسراء حق خوراك و پناهگاه ولباس دارند.ومثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسراء را مبادله و فیما بین خانواده هایی که اوضاع جنگ باعث جدایی آنان شده است، دیدارهایی بعمل آید.

ب : قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دامها یا تخریب ساختمانها و مؤ سسات کشوري در اثر خصومت به وسیله بمباران یا موشك باران وغيره جایز نمیشود.

ماده چهارم:

هرانسان حرمتی دارد و میتواند از شهرت خود در زنده گی یا پس از مرگ پاسداری نماید، دولت و جامعه مؤظف اند که از پیکرو مدفن او پاسداری کنند.

ماده پنجم:

الف: خانواده پایه ساختار جامعه است و زنشویی اساس ایجاد آن میباشد، بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمیتواند از این حق جلوگیری کند.

ب: جامعه و دولت مؤظف اند موانع را از سر راه ازدواج برداشته و راههای آنها آسان و از خانواده حمایت بعمل آورد.

ماده ششم:

الف: در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوقی نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسب خویش را دارد.

ب: بار نفقه خانواده و مسؤولیت نگهداری آن، از وظایف مرد میباشد.

ماده هفتم:

الف: هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت، در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبتهای ویژه نسبت به آنها مبذول شود.

ب: پدران و کسانیکه از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود میخواهند، با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج: بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی برگردن دارند.

ماده هشتم:

هرانسان از لحاظ الزام و التزام از يك شخصيت شرعي برخوردار است و اگر اين شخصيت از بين رفت يا مخدوش گرديد، قيم جاي او را ميگيرد.

ماده نهم:

الف : طلب علم يك فريضه است و آموزش يك امر واجب است بر جامعه و دولت، و بردولت لازم است كه راه ها و وسايل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آنها بگونه يي كه مصلحت جامعه را بر آورده سازد، تأمين نمايد و به انسان فرصت دهد كه نسبت به دين اسلام و حقايق هستي معرفت حاصل كند و آنها براي خير بشريت به كارگيرد.

ب : حق هرانساني است كه مؤسسات تربيتي و توجيحي مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاههاي تبليغاتي وغيره كه كوشش در جهت پرورش ديني و دنيوي انسان مي نمايد، براي تربيت كامل و متوازن او تلاش كند و شخصيتش را پرورش دهد بگونه يي كه ايمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظائف آن فراهم شود.

ماده دهم:

اسلام دين فطرت است و به كارگرفتن هرگونه اكراه نسبت به انسان يا بهره برداري از فقريا جهل انسان جهت تغييراين دين به ديني ديگر يا به الحاد جازي نميباشد

ماده يازدهم:

الف : انسان آزاد متولد ميشود و هيچ احدي حق به برده گي كشيدن يا ذليل كردن يا مقهور كردن يا بهره كشيدن يا به بنده گي كشيدن او را ندارد، مگر خداي تعالي.

ب: استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار اين كه بد ترين نوع برده گي است، شديداً تحريم ميشود و ملتهايي كه از آن رنج ميكشند، حق دارند از آن رهايي يافته و سر نوشت خويش را تعيين كنند. همه دول و ملل نيز موظف اند از اين گروه در مبارزه عليه نابودي هر نوع استعمار و اشغال ياري نمايند. همه ملتها نيز حق حفظ شخصيت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروتهاي طبيعي را دارند.

ماده دوازدهم:

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن میتواند به کشور دیگری پناهنده شود. و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهنده گاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهنده گوی بخاطر ارتکاب جرم از طبق نظر شرع نباشد.

ماده سیزدهم:

کارحقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند. هر انسان آزادی حق انتخاب کارشایسته را دارد به گونه ای که هم مصلحت خودش و هم مصلحت جامعه برآورده شود. هرکارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمینات اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد و او داشت یا او را به کاری اگراه نمود یا از او بهره کشی کرد یا به اوزیان رساند و هرکارگری بدون فرق میان مرد و زن حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه میکند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصیها و پاداشها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال مؤظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کار فرمایان اختلاف پیدا کردند، دولت مؤظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون اینکه بِنفع طرفی عدول کند، دخالت نماید.

ماده چهاردهم:

انسان حق دارد کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب، یا زبان رساندن به خود یا دیگران و ربا شدیداً ممنوع میباشد.

ماده پانزدهم:

الف : هر انسانی حق مالک شدن از راه های شرعی را دارد و میتواند از حقوق مالکیت بگونه ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمیتوان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

ب: مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق احکام شرع (قانون)

ماده شانزدهم:

هرانسانی حق دارد از ثمره دست آورد های علمی، ادبی، هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط بر این که آن دست آورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

ماده هفدهم:

الف: هرانسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماریهای اخلاقی بگونه یی که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زنده گی کند، جامعه و دولت مؤظف اند این حق را برای او فراهم کنند.

ب: دولت و جامعه مؤظف اند که برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود فراهم نمایند.

ج: دولت مکلف است حق هرانسانی را در زنده گی شرافتمندانه یی که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی میشود تضمین نماید.

ماده هجدهم:

الف: هرانسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده، ناموس و مال خویش، درآسوده گی زنده گی کند.

ب: هرانسانی حق دارد که در امور زنده گی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زور گویانه در این شئون حمایت شود.

ج: مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیرمشروع وارد آن شد، و نباید آنرا خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.

ماده نوزدهم:

الف : مردم در برابر شرع مساوی هستند در این امر حاکم و محکوم نیز باهم برابرند.

ب : مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج : مسوولیت در اصل شخصی است.

د : هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

ه : متهم، بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه پی که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

ماده بیستم:

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هیچ انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با اوبگونه حقارت آمیز یا سخت، یا منافعی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست، مگر با رضایت وی و مشروط بر این که سلامتی و زنده گی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه پی را بدهد، نیز جایز نمیباشد.

ماده بیست و یکم:

گروگان گیری به هر شکلی و بخاطر هر هدفی، ممنوع است.

ماده بیست و دوم:

الف : هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.

ب : هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج : تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سؤاستفاده وسؤاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا بکار گیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د : برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا چیزی که منجر به برانگیختن هرنوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

ماده بیست و سوم:

الف : ولایت امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع میباشد، زیرا که حقوق اساسی از این راه تضمین میشود.

ب : هرانسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. همچنین او میتواند پستهای عمومی را برطبق احکام شریعت متصدی شود.

ماده بیست و چهارم:

کلیه حقوق و آزادیهای مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی میباشد.

ماده بیست و پنجم:

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه میباشد.